



کتاب درسی زیر ذره بین

عربی ۲

پایه یازدهم

رشته‌های علوم تجربی - ریاضی و فیزیک

MEDABOOK
ONLINE BOOKSHOP

تألیف:

عباس دادخواه

انتشارات
کتاب آموزشی پیشرو





تقدیم به نگاه عمیق شما ...

مقدمه مؤلف

تقدیم به ساحت مقدّس امام رؤوف، حضرت رضا علیه السّلام
امید که با خلوص نیت باشد و مقبول حضرتش

این نوشتار بر پایه اهداف زیر به رشته تحریر درآمده است؛



MEDABOOK
ONLINE BOOKSHOP

سخنی با سَما

با کتاب‌های درسی زیرذره‌بین چه اهدافی را دنبال می‌کنیم؟

۱



۲

MEDABOOK
ONLINE BOOKSHOP

۳

۴





که راز شگفتایی بود در سرشت
نبیند ز طاووس جز پاهای زشت

(سعدی)

الدرس الأول

MEDABOOK

كَفَرُوا «کافر شدند» ≠

«... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

اجتنبوا كثيراً مِنَ الظَّنِّ ...» الخُجُرَات: ١٢

ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری از گمان ها پرهیزید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِتَّبِعُوا

= اِتَّبِعُوا «دور شوید» ≠
اِقْتَرِبُوا «نزدیک شوید»



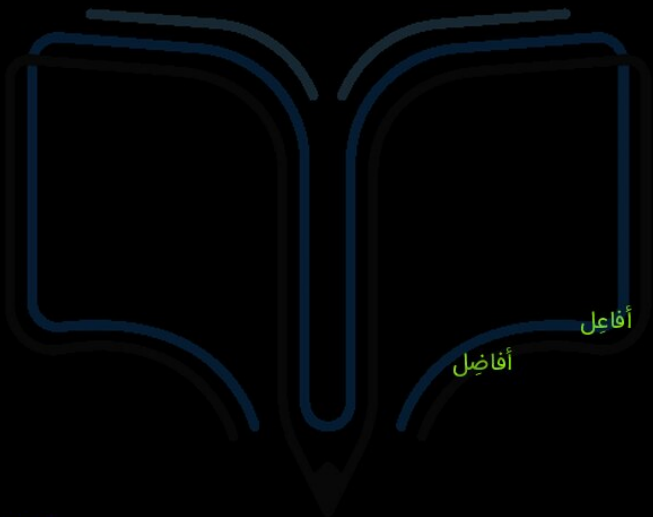
اسم تفصیل

کاربرد: برتری
اسم تفصیل



روش تشخیص اسم تفصیل:

مُذَكَّر و مؤنث
مُذَكَّر / أَفْعَل / أَفْعَلْ / أَفْعَلِي
مثال:
مثال:



مؤنث
مُذَكَّر / أَفْعَلْ / أَفْعَلْ / أَفْعَلِي
مثال:

توجه (۱)

«أَفْعَلْ»
أَكَابِرْ
مثال:

توجه (۲)

خَيْر
شَرّ

أَل - الف و لام

MEDABOOK
ONLINE BOOKSHOP

مثال: کلمه «فَیْر» در کلمه «أَوْسَط»
معنای اسم بر وزن «أَفْعَلْ»
تفصیل است. اسم تفصیل مُذَكَّر

مثال: کلمه «شَرّ» در معنای اسم تفصیل

مثال: کلمه «الفیر» با «الف و لام» به کار رفته و معنای اسم تفصیل نمی‌دهد.

مثال: اگرچه کلمه «فَیْر» «الف و لام» ندارد ولی در مفهوم «برتری» به کار نرفته لذا اسم تفصیل نیست.

توجه (۳)

اسم تفصیل دیگرى آخر الآخر



توجه (۴)

«فن ترجمه اسم تفضیل»

حالت (۱):

مثال:

أَعْلَمُ + حرف جرّ «مِنْ»

حالت (۲):

مثال:

اسم تفضیل + مضافٌ الیه

توجه (۵)

أَفْعَل

اسم تفضیل نیستند

اشتباه نگیرید

أَزْرَق

أَصْفَر

أَسْوَد

«رنگ»

أَبْيَض

أَحْمَر

أَخْضَر

ماضی

«إِفعال»

مثال:

فعل ماضی باب إفعال

امر «إِفعال»

مثال:

فعل امر باب إفعال

توجه (۶)

مثال:

مثال:

اسم مکان

مکان

تعریف:

محسوب نمی‌شود

مثال:

اسم مکان بر وزن «مَفْعَل»

مثال:

اسم مکان بر وزن «مَفْعَلَة»

توجه (۱)

«مفاعِل»

مَتَاجِر

مَنَازِل

مَكَاتِب

مثال:

مثال:

مثال:

توجه (۲)

مفاعِل

مفال

مفعلة

مسألة

مفعِل

مفعَل

توجه

در متن هر درس، کلماتی که با هاشور به رنگ مشخص شده‌اند دارای نکات قواعدی هستند که بعد از ترجمه روان متن، در بخشی جداگانه به آن اشاره شده است.

از آیات افلاق

ایمان آورده‌اید جماعة «گروهی» به نام فراوند بفرشته مهربان

ای کسانی که

یَسْخَرُونَ یَسْخَرُ «گروهی» شایر که باشند بعتر از اینان و نه زنانی

عَسَى أَنْ يَكُونُوا عَسَى «مفرد: نفس، خود، جان»

تَلْمِزُوا تَلْمِزُوا «مفرد: نفس، خود، جان»

تَنَابَزُوا تَنَابَزُوا «مفرد: نفس، خود، جان»

أَنْ يَكُنَّ أَنْ «مفرد: نفس، خود، جان»

بِئْسَ بِئْسَ نام آورده شدن پس ایمان و هر توبه نکند پس آنان همان ستمگران (اندر) ای

الْفُسُوقُ الْفُسُوقُ «مفرد: نفس، خود، جان»

کسانی که ایمان دوری کنید بسیاری از گمان زیرا برقی گمان گناه و تفتس نکنید و نباید غیبت کند آورده‌اید

بَعْضُ بَعْضُ یگردگر

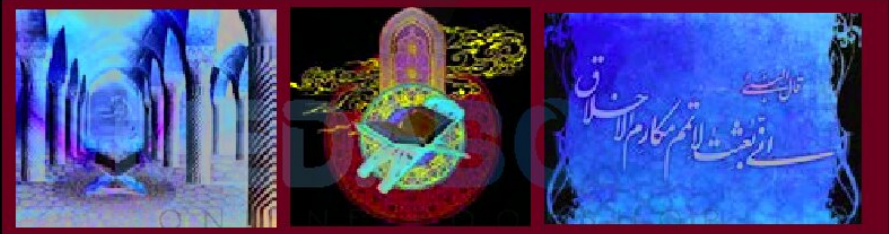
بَعْضُ بَعْضُ آيا دوست کسی از شما می‌دارد

تَوَابٌ تَوَابٌ و پروا کنید خدا زیرا خدا بسیار مهربان توبه‌پذیر

لَحْمٌ لَحْمٌ گوشت برادرش فرده پس تاپسند می‌شمارید (می‌دارید) آن را

مَيْتًا مَيْتًا «مفرد: عیب»

كَرْهًا كَرْهًا «مفرد: عیب»



مفرد: عیب

قَدْ قَدْ «مفرد: عیب»

گاهی می‌باشد میان مردم کسی او بعتر از ما پس بر ما که دور شویم از خودپسنری و اینکه یار نکنیم عیب‌ها لازم است

خَفِيَ خَفِيَ «مفرد: عیب»

دیگران با سغن پنهانی یا با اشاره‌ای پس فرموده امیر مؤمنان علی (ع) بزرگ‌ترین عیب این که عیب‌جویی کنی

أَعْظَمُ «بزرگ‌ترین» ≠ أَصْغَرُ «کوچک‌ترین»

کدام‌تنی بود سرشت خیزند ز ناله‌های زشت



آنچه در تو مانند آن (پیزی)



ترجمه



قواعد



خیراً :

كُـمْ:

أَنْفُسَ:

توجه:

الظَّالِمُونَ:

أُولَئِكَ:

كَثِيراً:

لَا يُغْتَبَ:

بَعْضاً:

أَحَدُ:

كُـمْ:

لَحْمَ:

الله:

النَّاس:

مِنَّا:

أَحْسَنُ:

يَكْلَامُ:

الْآخَرِينَ:

أَنْ تَعِيبَ:

الْعَيْبِ:

فِيكَ:

آمنوا: ☐

لا تَلْمِزُوا: ☐

لا تَنَابَرُوا:

لَمْ يَتُبْ: ☐

اجْتَنِبُوا: ☐

مِنَ الظَّنِّ:

لا تَجَسَّسُوا: ☐

بَعْضُ:

يُحِبُّ: ☐

كُـمْ:

كَرِهْتُمُوهُ: ☐

إِتَّقُوا: ☐

تَوَابُ: ☐

قَدْ يَكُونُ: ☐

هُوَ:

عَنِ الْعُجْبِ: ☐

عِيُوبُ: ☐

حَفَى:

أَكْبَرُ: ☐

مَا:



پند می‌دهد به ما آیه اول و می‌گوید عیب‌جویی دیگران و لقب نرھید به لقب‌هایی ناپسند می‌شمارند آن‌ها را
تَلَقُّوْا
آنان را

(چه) بد است کار آلوده شدن و هرکس اتهام آن پس او از ستمگران
به گناه دهد

حَرَمٌ بنا بر این پس حرام کرده فراوان متعال در این دو آیه
است

الْأَسْتِهْزَاءُ بِـ تَسْمِيَّتِ ریشخند کردن (مسخره کردن) دیگران و نامیدن آنان

با نام‌های زشت = الکریمه: زشت

برگمانی و آن تهمت شفقی به شفقی دیگر

بدون دلیلی منطقی مفرد: ستر «راز»

جاسوسی کردن و آن کوششی زشت برای آشکار رازهای
رموز «رازها»

فَضْحٌ کِبَائِرُ مردم برای رسوا و آن از گناهان بزرگ در مکتب ما
کردن آنان

و از افلاق بد مفرد: سبب «دلیل»

و غیبت و آن از مهم‌ترین دلایل قطع کردن

التَّوَاصُلُ ارتباط میان مردم

نامید [در این‌ها: نامیدن] برفی مفسران سوره مجراتی که

آمده در آن این دو آیه به سوره افلاق مفرد: الفلق «فوی»





ترجمه



قواعد



تَنْصَحُنَا:

لا تعيبوا:

لا تُلَقِّبُوهُمْ:

يَكْرَهُونَهَا:

هو: مِنَ الظَّالِمِينَ:

حَرَمَ:

الإِسْتِهْزَاءُ:

هو:

منطقي:

هو:

لِفَضَح:

هو:

مِنَ الْأَخْلَاقِ:

هي:

سَمَى:

هاتان:

أَلَايَةُ:

الْأَخْرَيْنِ:

بِالْقَابِ:

فِي هَاتَيْنِ:

الْقَبِيحَةِ:

بِالْأَسْمَاءِ:

بِالْأَخْرَيْنِ:

لِشَخْصٍ:

شَخْصٍ:

إِتِّهَامُ:

دليل:

بدون :

الْأَنَاسِ:

أَسْرَارِ:

لِكَشْفِ:

قَبِيحَةٍ:

مُحَاوَلَةٍ:

هم:

الدُّنُوبِ:

فِي مَكْتَبِ:

نا:

السَّيِّئَةِ:

أَسْبَابِ:

قطع:

التَّوَاصُلِ:

النَّاسِ:

المُفَسِّرِينَ:

سورة:

الحُجَرَاتِ:

الْأَخْلَاقِ:

بِسُورَةِ:

فيها:

عبارت) درست و نادرست را طبق متن درس مشخص کن.

طبق متن درس «سورة الأَفْلاقِ»

نادرست است

نادرست است

طبق متن درس، فداوند

در سورة هجرات

چون: [الإِسْتِعْزَاءُ

سوء الْقَنْ، التَّفْهِيءُ

الْغَيْبَةُ] را حرام کرده

نادرست است

اسم تفصیل

طبق متن درس «أَمْرٌ قَبِيحٌ»

برخی مفسران سورة هجرات را عروس قرآن نام‌گذاری کرده‌اند (نامیده‌اند).

خداوند در این دو آیه فقط ریش‌خند کردن و غیبت کردن را حرام کرده است.

غیبت کردن همان است که برادر و خواهرت را به چیزی که (آن چه) ناپسند می‌شمارند، یاد کنی.

بی‌گمان خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران نمی‌مکند.

تلاش برای شناختن رازهای دیگران کاری زیبا است.

در بخش درسنامه توضیح داده شده است.

بر وزن «أَفْعَلِ»

بر وزن «أَفْعَلِ»

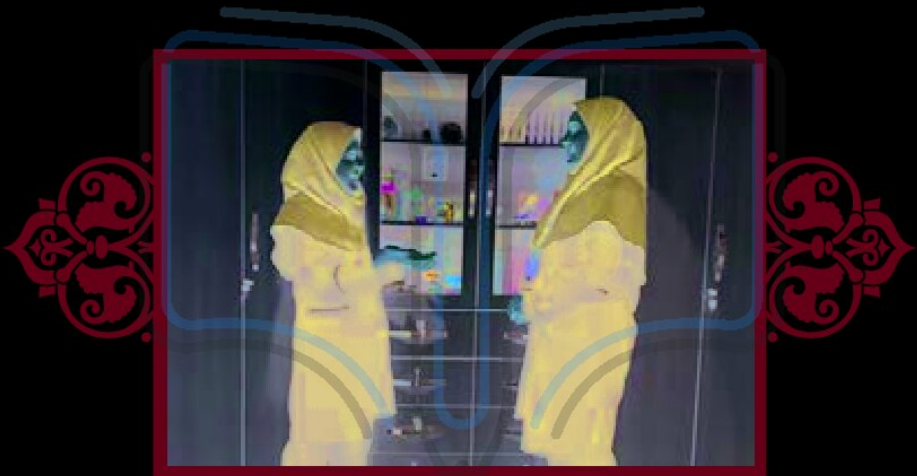
بر وزن أَفْعَلْ

بر وزن أَفْعَلْ

فُعْلَى

در بخش درسنامه توضیح داده شده است.

أَفْعَلْ



أَفَاعِلْ

در بخش درسنامه توضیح داده شده است.

MEDABOOK
ONLINE
مفرد: أَرَدَلْ مفرد: أَفْعَلْ
[هرگاه فرومایگان فرمانروایی یابند، برترها هلاک می‌شوند.]

«صفت برتر»

«صفت برترین»

ترجمة «اسم تفضیل» به صورت «صفت برتر»

مضاف الیه جار مبرور
مبتدا مضاف الیه قید اسم تفضیل + مضاف الیه